

اقدامات تأمینی و تأییدی در حقوق کیفری

دکتر پرویز محمدنژاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
مقدمه

اقدامات تأمینی برای اولین بار در سال ۱۹۰۲ میلادی در قانون کشور نروژ پیش بینی شد. سپس در سال های ۱۹۰۸، ۱۹۲۷، ۱۹۳۰، ۱۹۳۳ به ترتیب در کشورهای انگلستان، بلژیک، سوئد، اسپانیا و آلمان نظام دوگانه اقدامات تأمینی - مجازات ها پذیرفته و به اجرا درآمد. بلژیک با وضع قانون ۱۹۳۰ (م) مشهور به «قانون دفاع اجتماعی» نگهداری بزهکاران غیرطبیعی به موجب حکم دادگاه را برای مدتی نامعین به منظور درمان و اصلاح آنها پیش بینی کرد. برخی می گویند اقدامات تأمینی به وسیله حقوقدان سوئسی، کارل استوس ایجاد شده است. اقدامات تأمینی از یافته های علم جرم شناسی و راه حل های پیشنهادی مکتب اثباتی (تحقیقی ایتالیایی) به منظور از بین بردن «حالت خطرناک» و پیشگیری از ارتکاب جرم مجدد است که از اواخر قرن نوزدهم میلادی مورد نظر تعداد زیادی از نظام های جزایی قرار گرفت. در قانون مجازات عمومی ایران نیز با اقتباس و الهام از قانون جزای فرانسه (مصوب ۱۸۱۰م) صرفاً مجازات و انواع مختلف آن را پیش بینی کرده بودند؛



مغز ما یک دینام هزار ولتی است که متاسفانه اکثرمان بیش از یک چراغ موشی از آن استفاده نمی کنیم .

اصطلاح و تربیت

دست به تکرار جرم نزنند. ۳
اقدام تأمینی عبارت است از واکنش
حمایتی پیشگیرانه متضمن درمان و اصلاح
مجرمی (چه مسئول و چه غیر مسئول) که
در حالت خطرناک به سر می برد. ۴

بنابراین می توان اظهار داشت، اقدامات
تأمینی تدبیرهای فردی و یا وضعی الزامی
می باشند که در مورد افراد خطرناکی که
نظم جامعه را با حالات و رفتار خود
تهدید می کنند و یا نسبت به یک وضع
خطرناک به موجب حکم دادگاه اتخاذ
می گردد، اطلاق می شود. حال با امعان
نظر به تعریف این اقدامات، به بیان
خصایص و ویژگی های اقدامات تأمینی
می پردازیم تا با دانستن این اوصاف توانایی
تفکیک این اقدامات از مجازات ها را داشته
باشیم..

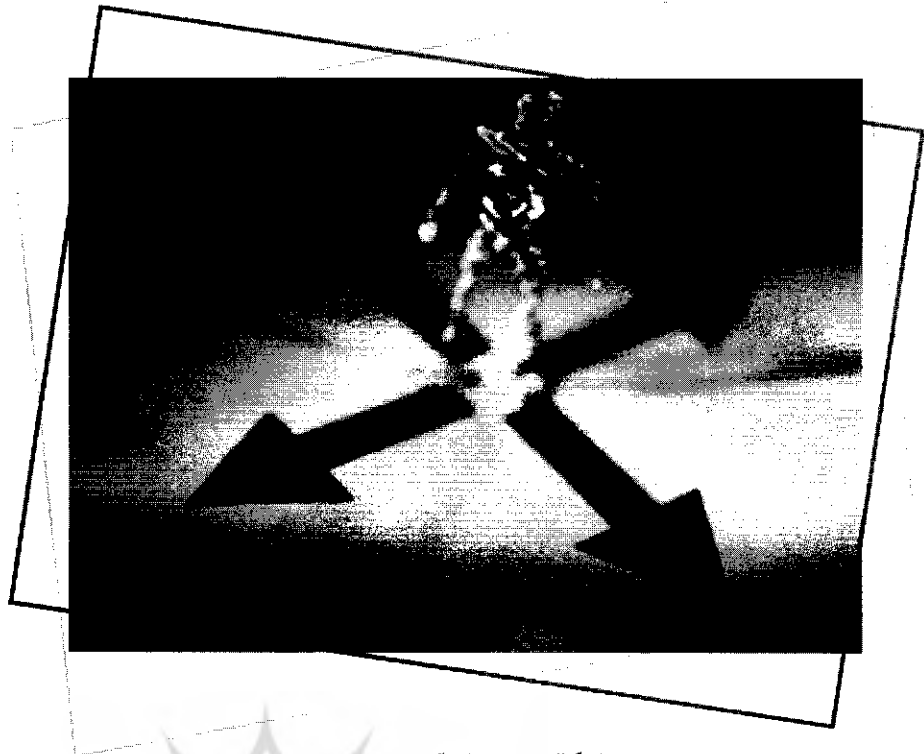
۲- ویژگی ها و خصایص اقدامات تأمینی
(تربیتی):

اهم این اوصاف و خصیصه ها به شرح ذیل
است:

ترساننده نبودن، سخت و رنج آور نبودن،
نامعین بودن مدت و زمان اقدامات، ملاک
نبودن تقصیر جزایی، قابل تجدید نظر بودن،
ترذیلی و تحقیرآمیز نبودن، تابع اصل
شخصی بودن و برخی ویژگی های مشترکی
که با مجازات ها دارند که به موقع به آنها اشاره
خواهد شد. اما بررسی مختصری پیرامون
این ویژگی ها و اوصاف اقدامات تأمینی
نگرش و بینش ما را نسبت به این اقدامات
دگرگون و عمیق تر می کند...

اول- پیشگیرانه بودن:

اقدامات تأمینی برعکس کیفرها که حاصل
تقصیر و خطای جزایی می باشند، هیچ
تناسبی با نیت خطاکارانه فاعل جرم
ندارند. در حقیقت اقدامات تأمینی به
گذشته توجه ندارد و جهت آن منحصر به
آینده به منظور پیشگیری از تکرار جرم
است. به اعتقاد گاروفالو (از بنیانگذاران
مکتب تحقیقی (اثباتیون)، باید اصل



مهم سیاست جنایی، کیفرزدایی می باشد
که به دنبال اقدامی غیرکیفری دربارہ عمل
بزهکارانه است که اقدامات تأمینی و
تربیتی از ابزار مهم سیاست جنایی
محسوب می شود..

۱- تعریف

از اقدامات تأمینی و تربیتی تعریف های
متعددی از سوی حقوقدانان و
کارشناسان ارائه شده است که به برخی از
مهم ترین و کامل ترین آنها اشاره می شود..

«اقدامات تأمینی یک سلسله تدابیر
پیشگیرانه ناشی از واکنش جامعه برای
جلوگیری از تکرار جرم از سوی مجرم
خطرناک که بنا به حکم قانون از جانب دادگاه
رسیدگی کننده اتخاذ و دربارہ آنها اعمال
می گردد. ۲

اقدام تأمینی یک رشته وسایل دفاع
اجتماعی است که به حکم قانون و
توسط قاضی بر اثر وقوع جرم متناسب با
وضع مزاجی و استعداد و منش و سوابق
فرد خاطی و خطرناک بکار برده می شود
تا او بهبود یابد و با اجتماع سازگار شود و

ولی به تدریج اشکال جدیدی از واکنش بر
ضد جرم وارد مقررات کیفری ایران شد.
اقدام تأمینی در کشور ما با اقتباس از قانون
جزای ۱۹۳۷ میلادی سونیس تهیه و در سال
۱۳۳۷ هجری شمسی به مجلس شورای
ملی تقدیم شد و در نهایت در ۲۱ ماده تحت
عنوان «قانون اقدامات تأمینی» در مورخ
۱۳۳۹/۲/۱۲ به تصویب مجلسین وقت
رسید..

در حال حاضر در اکثر کشورها اقدامات
تأمینی و تربیتی با کمیت و کیفیت گوناگون
مورد پذیرش واقع شده و به مرحله اجراء
آمده است. نکته قابل توجه آن است که
مجازات بیشتر و غالباً بر ضد جرم داده
می شود؛ در صورتی که جهت گیری
اقدامات تأمینی که پیشگیری فردی است
باید از کیفرها تفکیک و در بخش خاصی از
قوانین جزایی پیش بینی شود. در واقع
جهت گیری اقدامات تأمینی و تربیتی
جلوگیری از حدوث جرائم با اعمال راه های
اصلاحی، درمانی، تربیتی و یا خنثی کردن
خطرهای احتمالی اشخاص و یا اشیاء و
مؤسسه هایی است که وضعیت خطرناک
(مجرمانه) دارند. همچنین از جمله مسایل



اصول و مبانی

«استعداد بزهکار برای زندگی» را جانشین ساخت. در واقع به دنبال ابزاری مناسب به منظور جلوگیری از وقوع مجدد جرم و تکرار جرم باشیم. به هر حال، این اقدامات دارای جنبه سرزنش اجتماعی یا مجازات نیست؛ بنابراین از صفت زجردهندگی میراست. در حقیقت مادر اعمال و اجرای این اقدامات تقصیر و سوءنیت مجرمانه مرتکب را ملاک و معیار قرار نمی‌دهیم، چراکه اگر این کار انجام می‌شد، دیگر تفاوتی مابین این اقدامات با مجازات‌ها وجود نداشت؛ بنابراین ملاک بهره‌گیری از امکانات و ابزارهای لازم تأمین و تربیتی و ... بازسازی اجتماعی مجرم را آغاز و زمینه‌های یک زندگی سالم و به‌دور از جرم و بزهکاری را برای وی فراهم آوریم. در واقع اقدامات تأمینی و نحوه‌ی اجرای آن باید به شکلی مقرر و تنظیم شود که مجرم احساس نکند که او را به خاطر تقصیرش کیفر می‌دهند؛ چه اگر چنین باشد از هدف‌های عینی این اقدامات دور می‌مانیم.

دوم - نامعین بودن مدت:

با توجه به ماهیت این نوع از واکنش‌های برضد جرم و اهمیت موضوع مدت، حتی نامعین بودن زمان در اقدامات تبدیل به یک اصل مهم و غیرقابل انکاری شده است. البته نظرات افراطی نیز در این زمینه وجود داشت و طرفداران مکتب تحقیقی (ایتالیایی) حقوق جزا که به وجود آورندگان مفاهیم حالت خطرناک، دفاع اجتماعی و اقدامات تأمینی بوده‌اند، برای نشان دادن واکنش به حالت خطرناک افراد پیشنهاد صدور احکام با مدت نامعین را کرده بودند.

با توجه به این تفکر که مجرم بیماری اجتماعی فرض می‌شود و اعمال اقدامات تأمینی برای توقف حالت خطرناک است، بنابراین مقید کردن مدت این اقدامات برای

زمان مشخص موجه نیست و با عدم تعیین زمانی به محض از بین رفتن حالت خطرناک مجرم، مدت اجرای این تدابیر خاتمه می‌یابد. در واقع به منظور نیل به هدف‌های اقدامات تأمینی، مدت آن باید نامعین باشد. نه قانونگذار و نه مقام قضایی نباید از پیش، مدتی را برای این اقدامات و اثر بخشی آن تعیین کنند؛ چرا که حصول نتایج اثرات اقدامات، وابستگی کاملی به حالت خطرناک مجرم و تغییرات آن در طول مدت اجرای این اقدامات دارد. البته پذیرش مطلق غیر معین بودن مدت اقدامات تأمینی نیز منطقی و مطابق با اصول پذیرفته شده حقوق کیفری از جمله اصل قانونمندی مجازات‌ها و اقدامات تأمینی نمی‌باشد و ضرورت حفظ حقوق و آزادی‌های فردی اقتضا می‌کند که مدت این اقدامات از قبل به نحوی منطقی و عملی تعیین شود. به عبارتی، قابل به احکام نامعین نسبی شویم. به همین منظور دو راه حل پیشنهاد شده است:

اول: تعیین حداکثر مدت و تقلیل و قطع آن در صورت رفع حالت خطرناک.

دوم: تعیین مدت معین و مشخص و قابلیت تمدید آن.

که البته منطقی‌تر با وضع حقوق محکومان، راه حل دوم می‌باشد که با اصول پذیرفته شده منطبق‌تر است.

می‌توان گفت هرگونه پذیرش نظرات نامعین بودن مطلق (احکام نامعین) یا تعیین مدت مشخص و معین برای اقدامات تأمینی، منجر به افراط یا تفریط می‌شود و بهترین راه حل همان پذیرش نسبی در تعیین و اجرای این اقدامات است که کاملاً با توجه به وضعیت (حالت خطرناک) مجرم می‌باشد و قضات به کمک کارشناسان امر، اقدام به تصمیم‌گیری راجع به کاهش یا افزایش یا لغو اجرای اقدامات یا مدت آن می‌کنند.

واقعاً هرگاه به این نتیجه رسیدیم که مجرم دیگر دارای خطری برای اجتماع نیست، نگهداری او در مرکز اقدامات تأمینی و

تربیتی، بی‌مورد و موجب تحمیل هزینه‌های اضافی بر بیکره جامعه می‌باشد.

سوم - قابلیت تجدیدنظر دایمی:

با توجه به تغییر و تحول در حالت خطرناک مجرم، می‌باید قابل به تجدیدنظر بودن و قابلیت این امر در مورد اقدامات تأمینی باشیم. این اقدامات که به منظور درمان و تقلیل و رفع حالت خطرناک تأیید شده‌اند، مورد حکم قرار گرفته است؛ بنابراین باید با تحول حالت خطرناک، هماهنگ باشد و دادگاه باید بر اجرای اقدامات نظارت و مراقبت داشته باشد. با در نظر گرفتن ظرف زمانی مشخص، تجدیدنظر در این اقدامات را پذیرفته و پس از بررسی همه جانبه و با کمک از خبره و کارشناس در خصوص نحوه و مدت اجرای این اقدامات تصمیم یا تصمیم‌های جدیدی را اتخاذ کند.

چهارم - ارباب‌کننده و ترساننده نبودن:

از ویژگی‌های مهم و اساسی اقدامات تأمینی و تربیتی آن است که بدنبال ترساندن و مرعوب کردن مرتکب عمل مجرمانه و همچنین سایر افراد جامعه نمی‌باشد؛ چرا که اگر این اقدامات نیز قصدش تعقیب این خصیصه ترسانندگی بود، فرقی با کیفر و مجازات نداشت و همان تأثیرات مجازات را بدنبال می‌داشت. اقدامات تأمینی با پیش‌بینی تدابیری، بدنبال برگرداندن مجرمان به زندگی معقول و عادی زندگی اجتماعی است، بدون آن که در این رهگذر از خصیصه ترس و ارعاب استفاده‌ای کند. در صورتی که این مجازات‌هاست که بیشتر از این ویژگی، بهره‌مند می‌باشند.

پنجم - تحقیر آمیز نبودن:

اعمال و اجرای این اقدامات منجر و منتهی به تحقیر و کوچک شمردن مجرم نخواهد



شد، به عبارتی، اقدامات تأمینی وصف تردیلی ندارد. چرا که با فرض بیمار شمردن مجرم، بدنبال رفع معضل و درمان بیماری او، از راه‌های تأمینی و یا اصلاحی و درمانی می‌باشیم. و بدنبال تحقیر مجرم، در اجرای این اقدامات نمی‌باشیم، چرا که اگر اقدامات تأمینی نیز از این ویژگی سود جوید اثربخشی و حالت درمانی خود را از دست خواهد داد و مجرم‌ان چندان از خود همکاری و رغبتی نشان نخواهند داد، چرا که تصورشان بر آن قرار می‌گیرد، که هیچ تفاوتی بین مجازات و اقدامات تأمینی وجود ندارد؛ بنابراین این اقدامات را نیز، نوعی مجازات تلقی می‌کنند. بنابراین باید طراحان و تدوین‌کنندگان مقررات، در این زمینه از لحاظ انتخاب نوع اقدامات و نحوه و کیفیت اجرایی و تبعات خاتمه یافتن اجرای اقدامات، به طوری عمل کنند که، به هیچ وجه نشانی از کوچک شمردن و تحقیر مجرم‌ان در آنها نباشد.

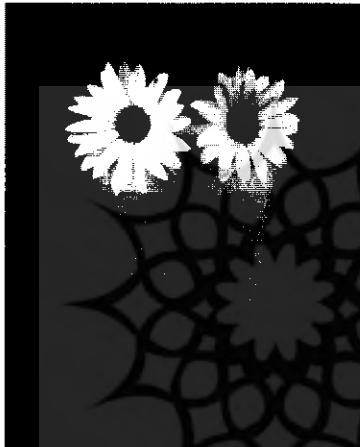
ششم- رنج آور نبودن:

از دیگر ویژگی‌های اقدامات تأمینی و تربیتی، سخت و آزاردهنده نبودن آن می‌باشد. در واقع از اعمال و اجرای این اقدامات بر مجرم، بدنبال آزار و اذیت و عذاب دادن او نمی‌باشیم، چرا که، چنین خصیصه‌ای متعلق به ماهیت مجازات می‌باشد، که توجه‌اش به گذشته است و برای تنبیه و جبران خطای مجرم، او را عذاب و رنج می‌دهد در حالی که سمت و سوی اقدامات تأمینی، به سمت آینده و سازندگی و بازسازی مجرم می‌باشد. هدف آن است که مجرم احساس نکند که، قصد کیفر دادن او را داریم و هنوز در فکر اعمال گذشته‌اش هستیم و این اقدامات را بنحوی مجازات فرض کند که، در این صورت به هیچ موفقیتی و پیروزی در سازش دادن مجرم با معیارهای قابل قبول زندگی اجتماعی دست نمی‌یابیم...

بنابراین مقنن و مجریان در طراحی و کیفیت و نحوه اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی باید به صورتی اقدام کنند تا وصف رنج آور بودن این اقدامات به حداقل ممکن تقلیل یابد.

۳- اصول مشترک حاکم بر مجازات‌ها و اقدامات تأمینی

البته برخی خصایص و اوصاف نیز وجود دارند که هم در اقدامات تأمینی و هم در مجازات‌ها مشترک می‌باشد، و هر دو واکنش بر ضد جرم دارای این خصایص می‌باشند که، از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از: رعایت اصل شخصی بودن، طرح هر دو واکنش در حقوق کیفری،



اصدار حکم توسط مقام قضایی صلاحیتدار، هر دو واکنش بر ضد جرم است. هم مجازات و هم اقدامات تأمینی پس از وقوع اعمال می‌شود و هر دو واکنش تابع اصل قانونمندی می‌باشند. در زیر به برخی از مهم‌ترین اصول مشترک اشاره مختصری می‌کنیم...

اول- رعایت اصل قانونمندی:

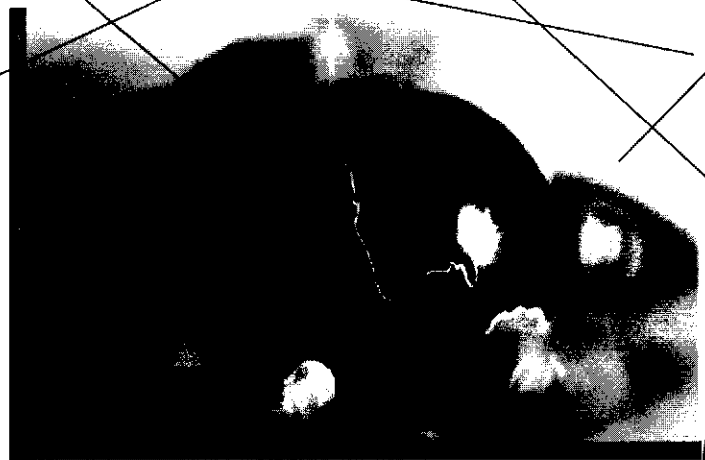
از جمله اصول مهم و زیربنایی حقوق کیفری، اصل مسلم قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست، بدین مفهوم که، هیچ عملی را نباید جرم محسوب داشت و به مجازات محکوم کرد مگر آن که از قبل، برای آن وجود داشته باشد و از این اصل قواعدی چون قاعده تفسیر مضیق به نفع متهم و همچنین عطف بماسبق نشدن

قوانین کیفری منتج می‌گردد. بر این اساس در واقع اقدامات تأمینی نیز بنحوی بر آزادی و حقوق اساسی و اجتماعی افراد تأثیرگذار می‌باشد، بنابراین می‌باید تابع این اصل مسلم حقوق کیفری قرار داشته باشد، چرا که، با رعایت مفاد این اصل و انعکاس آن در متون قانونی، باب سوء استفاده و افراطکاری در این زمینه نیز، مسدود می‌شود و مقام قضایی و سایر مقام‌های مسئول و صاحب صلاحیت مکلف می‌باشند تا اعمال و اجرای این اقدامات بر افراد را، در چارچوب قانون در نظر بگیرند و حق تخطی و اجرای خودسرانه دیگر وجود نخواهد داشت. وگرنه اجرای این اقدامات را در خارج از اصل قانونی بودن جستجو کنیم قطعاً با مشکلات فراوانی روبرو خواهیم شد. از جمله نقض مسلم حقوق انسانی و محدودیت غیرقانونی بر اشخاص که در مورد آنان این اقدامات اعمال خواهد شد و سلب آزادی و حقوق اجتماعی مردم و سوء استفاده صاحبان قدرت برای از بین بردن برخی مخالفان بدون هیچ گونه دست‌آویز و توجیه قانونی...

دوم- ضرورت دخالت مقام قضایی:

همانطور که تحمیل مجازات‌ها صرفاً می‌باید از مجاری قانونی و با حکم مقام قضایی صلاحیت‌دار انجام پذیرد با توجه به این که اقدامات تأمینی نیز خصایص توفیقی محدودیتی و سالبه‌ای دارد، الزاماً باید با تصمیم و حکم مقام قضایی انجام پذیرد و سایر مقام‌ها و مراجع اعم از اجرایی و یا مقام‌های قضایی که صلاحیت صدور حکم به اقدامات را ندارند، نمی‌توانند در این خصوص تصمیمی اتخاذ کنند. همچنین است صدور دستور دایر بر اجرای اقدامات تأمینی از سوی پلیس. مثلاً مقام‌های پلیس در هر رده می‌توانند به مجرمی که محکوم‌میتش به پایان رسیده است راساً دستور دهند که، هر هفته یا در





حفظ اجتماع از تجاوز و تعدی و تکرارکنندگان جرم و مجرمان حرفه‌ای و به عادت، همچنین پیشگیری از وقوع جرایم به کمک وسایل و ابزار اصلاحی، تربیتی، درمانی و معاضدتی با توجه به بروز حالت خطرناک در مجرمان و مهم‌ترین آن که، عبارت است از اصلاح مجرم و آماده ساختن وی برای زندگی مجدد در جامعه. می‌توانیم بگوییم تنها هدف اقدام تأمینی پیشگیری از وقوع جرم است چرا که اقدام تأمینی برخلاف مجازات با گذشته ارتباطی ندارد، از این جهت هدف اقدام تأمینی مکافات عمل محسوب نمی‌شود. دلیل وجودی این اقدامات حالت و وضعیت خطرناک کنونی بزهکار است تا از جرم بعدی او اجتناب شود و بر همین اساس شدت و ضعف اقدامات تأمینی صرفاً بر مبنای اهمیت حالت خطرناک مجرم است نه میزان تقصیر جزایی او.

پیشگیری نیز از جمله راه‌های اصلاح و بی‌اثر ساختن وضع خطرناک حاصل می‌گردد. بنابراین هدف اصلی این اقدامات پیشگیری در ارتکاب اعمال مجرمانه، مداوا، بازسازی، بازپروری و بازپذیری اجتماعی بزهکار است..

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- زمینه حقوق جزای عمومی - دکتر رضا نورپها - صفحه ۵۳۲
- ۲- اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران - ناصر قاسمی - صفحه ۱۳
- ۳- علوم جنایی جلد سوم - مهدی کی‌نیا - صفحه ۱۶۵۲
- ۴- کیفرشناسی - برنارد بولک - ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی - صفحه ۲۶
- ۵- حقوق جزای عمومی - جلد دوم - دکتر محمدعلی اردبیلی - صفحه ۷

اقدامات یکسان درباره‌ی تمام مجرمان وجود ندارد.

توسل به اقدامات تأمینی ناشی از ضرورت حمایت جامعه با افرادی است که مجازات کلاسیک (سنٹی) در مورد آنان این منظور (اصلاح و بازسازی) را تأمین و برآورده نمی‌کند. بر این اساس و تفاوتی که بین این دو واکنش وجود دارد و نتایج و آثار عینی و عملی نیز قابل تسری بوده و برخی از نهادهای حقوق کیفری که در مورد مجازات‌های قابل اجرا می‌باشد در خصوص اقدامات تأمینی با توجه به ماهیت اصلاحی و درمانی آن قابل اعمال نیست. از جمله مواردی که در مورد اقدامات تأمینی با توجه به ماهیت اصلاحی درمانی آن قابل اعمال نیست، عبارتند از: تعلیق، تعدد، عفو، رضایت شاکی، تکرار و تخفیف و... چرا که ما از اجرای اقدامات تأمینی تماماً به فکر آینده و درمان و اصلاح مجرمان می‌باشیم، بنابراین از پیش نمی‌توانیم اقدامات و تأسیساتی فوق را برای محکوم به اقدامات تأمینی بکار گیریم. بلکه با اجرای این اقدامات و روند اصلاح‌پذیری مددجو در طول اجرای اقدامات تأمینی باید تصمیمات متناسب با بهبود بیماری اجتماعی وی اتخاذ و اجرا شود..

۵- هدف اقدامات تأمینی

به اختصار می‌توانیم هدف‌های مهم و عمده این اقدامات را به شرح ذیل تبیین نماییم:

موعد معینی مکلف به انجام اقدامی که دارای خصیصه تأمینی یا تربیتی است انجام دهند و صرفاً اگر قرار بر اجرای اقداماتی بر مجرم می‌باشد باید توسط مقام قضایی صلاحیت‌دار انجام و مورد حکم قرار گیرد...

۴- تفاوت و افتراق اقدامات تأمینی با مفهوم مجازات

بالحاظ اصول مشترکی که حاکم بر هر دو واکنش بر ضد جرم وجود دارد اما واقعا تفاوت عمده و اساسی این دو تأسیس چیست؟ در حقیقت مجازات از جمله واکنش کیفری محسوب نمی‌شود ولی اقدامات تأمینی نوعی واکنش حمایتی و پیشگیری می‌باشد...

مجازات، تنبیه و عذابی است که، بر مجرم تحمیل می‌شود. رنج و تعب جزء لاینجزی کیفر محسوب گردیده و ویژگی بارز آن فرض می‌شود. در واقع خصوصیتی چون، رنج آوردن، ارباب‌انگیز بودن، رسواکننده بودن و قاطع بودن را در بر دارد. این نکته در تمایز این دو واکنش حایز اهمیت است که بدانیم درباره جرمی که، توسط مجرم واقع می‌شود، کیفر مشخصی در قانون پیش‌بینی شده است، اما این موضوع در اقدامات تأمینی مصداق و موضوعیت ندارد؛ چرا که اجرای این اقدامات منوط به حالت خطرناک مجرم است و کیفیت رفع آن مورد توجه می‌باشد و حالت یادشده نیز، در تمام مجرمان یکسان نیست لذا امکان تحمیل